

۲۶ خرداد ۱۳۹۴ - شماره: ۲۲

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

اشارات کتاب «بازگشت به اسلام»
به انجمن‌های مخفی

نویسنده مقاله:
همایون دانش

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



بیشتر مردم مسلمان در مورد فتنه‌هایی که انجمن‌های مخفی غربی دسیسه‌چینی می‌کنند تا راهی باشد برای یک نظم نوین جهانی و هدیه‌ای ناقابل برای شیطان بزرگ ارباب محترم‌شان (!)، آگاهی کامل ندارند و از آن بدتر به آن نیز باور ندارند که شیطان رسماً وارد عمل شده و با برقرار کردن تماس حضوری به طور مجسم و گفتمان طرفینی با قدرتمندترین و ثروتمندترین انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند که این نوع جلسات و گفتمان‌ها از زمان‌های قدیم تا به حالا به طور سری در حال جریان است؛ چون اکثریت مردم نیز ابلیس را بیشتر یک موجود وسوسه‌گر به کارهای بد و ناپسند می‌شناسند تا یک موجود تمام عیار مجسم؛ به همین خاطر نیز وقتی خواننده به بخش سوم کتاب «بازگشت به اسلام» یعنی «موانع بازگشت به اسلام»، مبحث «ممانعت دشمنان اسلام» (صفحه‌ی ۱۶۴) می‌رسد باور کرده نمی‌تواند که حقیقت همین است که جناب خراسانی بیان نموده است:

«از این رو، بیشتر دولت‌مردان و کارخانه‌داران و بانکداران و تاجران کلان و مالکان معادن و چاه‌های نفت در جهان، گرایش‌های ضدّ اسلامی دارند و با دولت‌ها و حرکت‌های اسلام‌گرا، دشمنی می‌ورزند. بلکه بسیاری از آنان، با عضویت در شبکه‌های مخفی، اتّحادی غیر رسمی را برای حفظ منافع مشترک خود در جهان و جلوگیری از تحقق آرمان اسلام، ایجاد کرده‌اند و از هر فعالیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی

که ضدیتی با اسلام داشته باشد، حمایت می‌کنند. در این راستا، آنان به صورتی سازمان‌یافته، هر کسی که در گوشه‌ای از جهان، به نحوی از انحاء در خدمت اهداف آنان قرار دارد و دانسته یا نادانسته برایشان سودمند است را شناسایی و با خود مرتبط می‌کنند و به این ترتیب، شبکه‌ی خود را گسترده‌تر و وابستگان خود را بیشتر می‌سازند. دانشمندان، نویسندگان، مبتکران، شاعران، خوانندگان، بازیگران، ورزشکاران و به طور کلی، همه‌ی کسانی که می‌توانند به اعتبار تشخص یا شهرت خود، تأثیری قابل توجه بر گروهی از مردم داشته باشند، تحت نظارت آنان قرار می‌گیرند و می‌توانند در صورت همسویی با آنان، از حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی آنان برخوردار شوند و حتی در صورت تمایل، به عضویت در شبکه‌های مخفی آنان درآیند؛ همچنانکه ممکن است در صورت عدم همسویی با آنان، به مشکلات فراوانی دچار شوند و دست کم در کار خود به موفقیت چندانی دست نیابند.» (ص ۱۶۵).

بر این اساس، علامه منصور هاشمی خراسانی در کتاب گران سنگشان «بازگشت به اسلام» با معرفی این سیستم شیطانی تلاش می‌کند تا حصارها و بندهای ذهن خواننده را باز کند و او را با حقیقتی که باید روبه‌رو شود مقابل سازد. اما با این وجود کسان بیشتری هستند که آگاهی درباره‌ی این سیستم شیطانی، نظم نوین جهانی، انجمن‌های مخفی پوشیده مانند حزب بزرگ ایلومیناتی و فریماسونری که در رأس آن شیطان بزرگ رسماً به رهبری آن نشسته است، واقف نیستند؛ لذا ممکن است برای خواننده گنگ ماند یا به خاطر بی‌خبری کتاب را تکذیب و آن را رد نماید و دیگر به آن رجوع نکند. اما واقعیت در اینجاست که انجمن‌های مخفی شیطان از جمله دیرینه‌ترین آن‌ها آیین کابالا که حتی به اعتقاد بعضی پیدایش آن به ماجرای پسران حضرت آدم علیه السلام بر می‌گردد، تحت رهبری شیطان به وجود آمده و برای مقابله با ادیان الهی و پیامبران الهی خود را آماده کرده و توسط آموختن سحر و جادو با ادیان الهی به مقابله پرداخته است. سپس به متون فکری، فرهنگی و علمی امت‌های پیامبران نفوذ کرده و دست به تحریف آن‌ها برده است. بهترین راه نیز برای پیامبران خداوند همان معجزه‌هایی بوده که به اذن خداوند انجام می‌دادند تا سحر ساحران را خنثی کنند و قدرت و حقانیت خداوند را برای مردم نشان بدهند. هنوز هم همان رهبر و همان جریان باقی مانده است و انجمن‌های مخفی شیطانی بیشتر تولید شده است که مشهودترین آن‌ها را می‌توان ایلومیناتی و فریماسونری نام برد که حتی با صراحت بسیار اقرار کرده که از دیرباز تاکنون رهبری انجمن چندین هزار ساله‌ی کابالسم را مدیریت کرده است. بر این اساس، همان اندیشه‌ی منصور هاشمی را داریم

که می‌گویند:

«این به آن معناست که شیطان، رئیس بزرگ و سردمدار اصلی نظام سلطه و سرمایه‌داری در جهان است و بیشتر اصحاب قدرت و ثروت در کنار نیروهای خبیث شیطانی، سرکارگران او در جهان هستند که توسط او از میان انسان‌ها و جّیان، استخدام شده‌اند تا مردم، این کارگران بی‌خبر و ساده‌لوح را برای اربابشان به کار وادارند. این یک سخن صریح و صادقانه است، بی‌آنکه کنایه یا تمثیلی در آن باشد.» (ص ۱۶۷)

همچنانکه در آخر نیز برای مقابله با این سیستم، ایشان در کتاب ارزشمند «بازگشت به اسلام» می‌فرمایند:

«در این میان، حزب شیطان، قدرتمندان و ثروتمندانی هستند که با او هم‌عقیده و همکارند و در راستای تحقق اهداف او در جهان به ازای تضمین قدرت و ثروت‌شان، به گونه‌ای هماهنگ و سازمان‌یافته، می‌کوشند و هزینه می‌کنند و جنود او، همه‌ی دانشمندان، نویسندگان، مبتکران، شاعران، خوانندگان، بازیگران، ورزشکاران و کسانی هستند که هر یک به نحوی از انحاء، به گسترش ماده‌گرایی و مصرف‌زدگی در جهان می‌پردازند و فرهنگ الحادی غربی را به عنوان فرهنگ رسمی و معیار، به ملت‌های آزاد و مستقلی از قبیل مسلمانان تحمیل می‌کنند. آنان همگی حزب شیطان و جنود او هستند که برای او کار می‌کنند و از او مزد می‌گیرند؛ چه بدانند و چه ندانند. روشن است که مقابله با آنان و نظام شیطانی خبیثی که در طول دو قرن گذشته بر جهان حاکم ساخته‌اند، ضروری است؛ زیرا آن به نابودی طبقات محروم و مستضعف که اکثریت جوامع را تشکیل می‌دهند، می‌انجامد، در حالی که پس از نابودی آنان، طبقه‌ی قدرتمند و سرمایه‌دار نیز باقی نمی‌ماند؛ چراکه طبقات محروم و مستضعف، نیروی کار و ضامن بقاء قدرت و سرمایه‌ی اینانند و با این وصف، نابودی آنان به نابودی اینان می‌انجامد و این به معنای نابودی کل بشریت است که هدف غایی شیطان شمرده می‌شود.

در این میان، تنها راه مقابله با حزب شیطان و جنود او که برای نابودی خود و دیگران می‌کوشند، تشکیل، توسعه و تقویت حزب خداوند و جنود اوست؛ چراکه خالق

جهان، خداوند است و اوست که منشأ عدالت است و با این وصف، حاکمیت او بر جهان، به تحقق عدالت جهانی و احقاق حقوق طبقات محروم و مستضعف می‌انجامد و روشن است که حاکمیت او بر جهان، از طریق تحقق حاکمیت خلیفه‌ی او بر جهان عینیّت می‌یابد و تحقق حاکمیت خلیفه‌ی او بر جهان، به قابلیت و تابعیت عده‌ای کافی از ساکنان جهان، نیازمند است؛ چراکه هیچ حاکمیتی بر جایی، بدون قابلیت و تابعیت عده‌ای کافی از ساکنان آن، ممکن نیست و این واقعیتی محسوس و مجرب است. از این رو، تشکیل، توسعه و تقویت حزب خداوند و جنود او، از طریق دعوت ساکنان جهان به قبول و تابعیت حکومت خلیفه‌ی خداوند و متحد و هماهنگ ساختن آنان در برابر حزب شیطان و جنود او، امکان‌پذیر است؛ چراکه لازم است قدرتمندان و ثروتمندانی در جهان، خصوصاً از میان مسلمانان، حاکمیت خداوند را بر حاکمیت شیطان اختیار کنند تا با قدرت و ثروت خود، در برابر قدرت و ثروت حزب شیطان، بایستند. آنان می‌توانند با عضویت در شبکه‌ای مخفی، اتحادی غیر رسمی را برای حفظ منافع محرومان و مستضعفان در جهان و کمک به تحقق آرمان اسلام و جلوگیری از تحقق آرمان شیطان، ایجاد کنند و از هر فعالیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که ضدّیتی با شیطان و فایده‌ای برای اسلام داشته باشد، حمایت نمایند. در این راستا، آنان می‌توانند به صورتی سازمان‌یافته، هر کسی که در گوشه‌ای از جهان، به نحوی از انحاء در خدمت آرمان اسلام قرار دارد و دانسته یا نادانسته برای آن سودمند است را شناسایی و با خود مرتبط کنند و به این ترتیب، شبکه‌ی خود را گسترده‌تر و وابستگان خود را بیشتر سازند. دانشمندان، نویسندگان، مبتکران، شاعران، خوانندگان، بازیگران، ورزشکاران و به طور کلی، همه‌ی کسانی که می‌توانند به اعتبار تشخص یا شهرت خود، تأثیری قابل توجه بر گروهی از مردم داشته باشند، می‌توانند تحت نظارت آنان قرار گیرند و در صورت همسویی با آنان، از حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی آنان برخوردار شوند و حتی در صورت تمایل، به عضویت در شبکه‌ی آنان درآیند؛ همچنانکه لازم است در صورت عدم همسویی با آنان، به مشکلات فراوانی دچار شوند و دست کم در کار خود به موفقیت چندانی دست نیابند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾ (بقره/ ۱۹۴)؛ «پس هر کس بر شما تعدی کرد پس بر او تعدی کنید به آن سان که بر شما تعدی کرد!» این به معنای ایجاد یک شبکه‌ی جهانی الهی در برابر یک شبکه‌ی جهانی شیطانی است

که تنها راه ممکن برای دفع شرّ آن و تحقّق زمینه‌ی حاکمیت خداوند بر جهان است و این کاری است که من برای انجام آن تلاش می‌کنم.» (ص ۱۶۷ و ۱۶۸).

بر این اساس، ضروری به نظر می‌رسد که با معرفی هر چه بیشتر این سیستم شیطانی (ایلو میناتی، فریماسونری، کابالا و ...) و اهداف آن برای از بین بردن اسلام خالص و برپایی یک سیستم شیطانی تحت فرمانروایی شیطان، بر اساس اشارات روشنگر جناب علامه در کتاب «بازگشت به اسلام»، برای بیداری مسلمانان جهان و روشن شدن اذهان آن‌ها در این باره کوشش کرد.

